

جلوه‌های هنر پارسی

جمشید کیان فر

جلوه‌های هنر پارسی / نوشته فرانسویس ریشار (به فرانسوی)،
ترجمه ع. روح بخشان. - تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳. ۲۳۹ ص رحلی، تصویر رنگی، نمایه،
کتابنامه، نمودار، نقشه.

چکیده

جلوه‌های هنر پارسی (نسخه‌های نفیس ایرانی سده ۶ تا ۱۱ هجری موجود در کتابخانه ملی پاریس) تألیف فرانسویس ریشار، از کارشناسان متبحر نسخه‌های خطی فارسی، و گنجور پیشین مخزن نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس است. اصل این کتاب به زبان فرانسوی در پاریس انتشار یافت و به سال ۱۳۸۳ با ترجمه ع. روحبخشان در تهران (سازمان چاپ و انتشارات) به چاپ رسید. وی در این کتاب، ضمن پرداختن به مباحثی چون سرچشمه‌های هنر کتاب‌پردازی در ایران، تطوّر کتاب‌آرایی در ایران، نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس و تاریخچه آن و ... ۱۶۰ عنوان نسخه خطی را همراه با تصاویری از آنها معرفی کرده و مشخصات دقیق کتابشناسی و نسخه‌شناسی آنها را نیز ارائه داده است.

کلیدواژه: کتاب‌آرایی، نگارگری، هنر پارسی، کتابخانه ملی پاریس، نسخه‌های خطی.

اروپائیان از زمانی که با مشرق زمین تماس پیدا کردند و با فرهنگ و هنر و معارف

آن آشنا شدند، در جهت دستیابی به منابع فرهنگی این خطه کوشیدند. مسافران اروپایی (جهانگرد، معامله‌گر، کشیش، ماجراجو، نماینده تجاری و سیاسی...) در طول مدت سفر و توقف در کشورهای مشرق زمین بر شناسایی این منابع و دستیابی به آنها، همت می‌گماشتند و چون به سرزمین‌های خود باز می‌گشتند تا جایی که می‌توانستند فرآورده‌های فرهنگی شرق را با خود می‌بردند. این حرکت که مخصوصاً با جنگ‌های صلیبی در سده‌های پنجم و ششم هجری آغاز شده بود از سده نهم به بعد به صورت یک سیاست برنامه‌ریزی شده درآمد. تا آنجا که در اوایل سده یازدهم دو برادر ایتالیایی برای تهیه این منابع به مشرق زمین و کشور عثمانی گسیل شدند و صدر اعظم‌های معروف فرانسه از جمله کلبرو ریشلیو اروپائیان مقیم این سرزمین‌ها، مخصوصاً ایران را مأمور تهیه این منابع کردند.

در میان منابع مورد توجه فرنگیان، کتاب به سبب ظاهر کیفیت و موضوع و محتوا جایگاه ویژه داشت، چندان که همه فرنگیانی که سفرنامه‌ای از خود برجا گذاشته‌اند، کم و بیش درباره آن و نقشی که در حفظ و اشاعه علم و فرهنگ دارد و چگونگی تهیه و کتابت و خرید و فروخت آن صحبت کرده‌اند، و مخصوصاً در سفرنامه‌های آدم اولناریوس، تاورنیه، شاردن و رافائل دومانس اطلاعات نسبتاً جامع و سودمند در این زمینه یافت می‌شود (برای نمونه نگاه کنید به: آزاد بروجردی، «روایت یک فرنگی از کتاب، نگارش و تحصیل در عهد صفوی»، کلک، شماره ۸۳ - ۸۰ آبان - بهمن ۱۳۷۵ ص ۳۹۹ تا ۴۰۴).

کتاب - صرف نظر از آثار باستانی و یادمان‌های تاریخی - مهم‌ترین و بهترین وسیله حفظ فرهنگ در معنای عام آن و انتقال فرهنگ به آینده است. زیرا که همه دانسته‌ها و دانش‌های فرد و قوم و جامعه در آن مندرج و ضبط می‌شود و در نتیجه بهترین وسیله شناخت هر فرد و قوم و جامعه است. توجه خارق العاده فرنگیان به کتاب‌های مشرق زمین نه از سر دلسوزی که برای شناخت گذشته و حال مردمان و اقوام این سرزمین‌ها بوده است، چنان که به همین دلیل هم به ترجمه عمده‌ترین کتاب‌ها، همت گماشتند. البته اگر موضوع و محتوای کتاب را کنار بگذاریم شکل ظاهر و کیفیت تدوین و تألیف و آرایش و صحافی کتاب هم مورد توجه بوده است و مخصوصاً مجموعه داران صاحب جاه و مقام به این وجوه توجه کامل نشان می‌دادند، چنان که ریشلیو صدر اعظم معروف فرانسه یکی از مجموعه داران بزرگ تاریخ اروپا بوده است.

باری، با دگرگونی اوضاع سیاسی و اجتماعی در فرانسه و تأسیس «کتابخانه ملی» در اواخر سده هجدهم / دوازدهم تفرقه مجموعه‌های خصوصی کتاب، شمار انبوهی از نسخه‌های خطی فارسی موجود «کتابخانه سلطنتی» سابق و مجموعه‌های خصوصی به کتابخانه ملی فرانسه انتقال یافتند و در مجموعه‌ای با عنوان «مخزن کتاب‌های شرقی» جای داده شدند که در سال‌های اخیر کوشش‌هایی در جهت ارائه و شناساندن آنها صورت گرفته است، چنان که از هفتم آذر تا یازدهم اسفند ۱۳۷۶ نمایشگاهی با نام «شکوه‌مندی‌های پارسی» در تالار مازارن کتابخانه ملی فرانسه در پاریس برگزار شد که کتاب حاضر در معرفی آن فراهم آمده است.

فرانسیس ریشار، متولد سال ۱۹۴۸ / ۱۳۲۷ و فارغ التحصیل مدرسه زبان‌های زنده شرقی که چندین سال مخزن دار «مخزن نسخه‌های خطی فارسی» بوده است و از متبحرترین کارشناسان نسخ خطی به شمار است و تاکنون چند کتاب و چندین مقاله در این زمینه انتشار داده است، کتاب حاضر را به صورت تاریخ مصور دقیق کتابت و کتاب آرایی در ایران تدوین کرده است.

کتاب، صرف نظر از چند پیشگفتار، از هشت فصل تشکیل شده است:

سرچشمه‌های هنر کتاب‌پردازی در ایران، پیدایش سبک کهن ایرانی و شکوفایی آن، شکوفایی هنر تیموری و رونق هنر ترکمنی، میراث تقسیم شده (شیراز، تبریز، بخارا، هرات)، دوره گذار، درخشش جهانی هنر شیراز، زوال نسخه خطی مُدَّهَب (و رشد سبک جدید در اصفهان)، مجموعه نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی فرانسه و تاریخچه آن (رجوع شود به معرفی این کتاب در مجله موزه‌ها، شماره ۲۳ و ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۲ تا ۱۷).

به این ترتیب می‌توان گفت که کمتر نکته‌ای از کتاب نگاری و کتاب آرایی و فنون و هنرهای آن و تاریخ کتابت در ایران در سده‌های ششم تا یازدهم هجری نگفته مانده است. در واقع عنوان فرعی کتاب یعنی «نسخه‌های نفیس ایرانی سده ۶ تا ۱۱ هجری موجود در کتابخانه ملی فرانسه» گویای محتوای کتاب است که در آن مؤلف پس از بحث درباره مباحث مختلف چند نسخه (جمعاً ۱۶۰ عنوان) را در مقام نمونه نقل و معرفی کرده است، و در این میان چند قرآن نفیس از دوره‌های آل بویه (۳۲۴ تا ۴۴۷ ق) و غزنویان (۳۶۷ تا ۵۸۲ ق) و سجلقیان (۴۲۹ تا ۷۰۷ ق)، و مقامات حمیدی، لطائف الحکمه، تاریخ جهانگشای، راحة الصدور، شاهنامه، کلیله و دمنه، جامع التواریخ،

عجایب المخلوقات، مثنوی، منطق الطیر و پنج گنج امیر خسرو دهلوی... معرفی شده‌اند. مؤلف در هر مورد مشخصات دقیق کتابشناسی و نسخه‌شناسی کتاب را ذکر کرده و تا جایی که امکان یافته است چگونگی رسیدن کتاب را به کتابخانه ملی فرانسه نشان داده است. به این ترتیب اطلاعات دقیقی درباره مجموعه‌ای از گنجینه کهن معارف ایران فراهم آمده که به بهترین صورت چاپ شده است.

چاپ ترجمه فارسی هم در نهایت دقت و ظرافت و با مطابقت کامل با اصل صورت گرفته است، و در همین جا جا دارد که از دقت و سواس گونه کارکنان «سازمان چاپ و انتشارات» قدردانی شود و به همه دست اندرکاران پدید آمدن این اثر زیبا و چشم‌انداز دست مریزاد گفته شود.

البته کتاب به اصطلاح «ویرایش» هم شده است. اما از مترجمی که ما می‌شناسیم و نزدیک به چهل و پنج سال است که «دست به قلم» است، انتظار نمی‌رفت که «آنها» را جدا (آنها) بنویسد، یا جمله بی فعل به کار برد («بیش از دویست جلد از آنها شامل نقاشی [؟] و شمار بسیاری از آنها به خطی بسیار خوش و خوانا نگاشته شده‌اند» که اصلاً ساختار اسطقس جمله خراب است!)، یا به جای «خیلی زود» مثلاً «بزودی» بگذارد که هر کدام معنا و شأن خاص دارد. و بدتر از همه «را»ی علامت مفعول بیواسطه یعنی اسم را بعد از فعل بیاورد چنان که در این عبارت: «این نمایشگاه گزیده‌ای از نسخ خطی خوش‌نویسی شده... که در مشهورترین کارگاه‌های ایران در فاصله سال‌های ۴۹۴ - ۱۰۷۰ ق، صحافی شده‌اند را عرضه می‌دارد»؛ «را»ی بینوایی که متأسفانه در سراسر کتاب جایش به اسم «ویرایش» عوض شده است. نگارنده هنوز همه کتاب را به دقت در مطالعه نگرفته است، اما همین مُشت را نمونه خروار می‌داند و مطمئن است که در یک مطالعه دقیق چه بسیار نمونه‌ها از آن را خواهد یافت. وانگهی بر فرض که مترجم مرتکب این غلط‌ها شده است بر ویراستار بوده که آنها را مطابق قواعد و شؤون دستوری زبان اصلاح کند، تا کتابی چنین نفیس و ارجمند با این غلط‌های زشت به چاپ نرسد.